

## بررسی وضعیت محیط کسب و کار در استان خراسان شمالی بر

### اساس الگوی ملی

رضا بهمن پور<sup>۱</sup>، مجید درخشانی<sup>۲</sup>، محسن بجنوردی<sup>۳</sup>، فاطمه گریوانی<sup>۴</sup>

#### چکیده:

محیط کسب و کار و سرمایه گذاری به دلیل نقش بسزایی که در تولید و اشتغال جوامع ایفا می کند همواره مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی بوده و می توان اوج این توجهات را به دهه های اخیر و بخصوص بعد از اقدام مؤسسات بین المللی مانند بانک جهانی، بنیاد هرتیج و... به شاخص سازی برای اندازه گیری وضعیت محیط کسب و کار کشورها و رتبه بندی آنها نسبت داد. گزارش های منتشر شده از سوی این مؤسسات نشان می دهد ایران از جایگاه مناسبی در بین کشورها در شاخص های کسب و کار برخوردار نبوده است. بنابراین ریشه یابی و بررسی موانع کسب و کار کشور اهمیت فراوانی دارد. اما به منظور بررسی موانع کسب و کار در کشور به دلیل تفاوت های اقلیمی و شرایط اقتصادی اجتماعی استان های مختلف لازم است در هر یک از استان ها موانع و مشکلات محیط کسب و کار آن استان مورد بررسی دقیق تر و جزئی تری قرار گیرد. با این هدف، مطالعه تأثیر مؤلفه های محیط کسب و کار الگوی ملی بر فضای کسب و کار استان خراسان شمالی، محور پژوهش حاضر بوده است. جامعه آمار مورد مطالعه بنگاه های اقتصادی مستقر در شهرک های صنعتی استان خراسان شمالی بوده که نمونه مطلوب با این جامعه آماری ۵۸ انتخاب و پرسشنامه های تدوین شده در بین آنها

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد واحد مشهد و مدیر اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان شمالی

r.bahmanpoor@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد و معاون اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان شمالی

derakhshani.mj@gmail.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه پیام نور مشهد و رئیس گروه سرمایه گذاری اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان شمالی

Bojnordi\_m@yahoo.com

<sup>۴</sup> نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد fgriyani@gmail.com

توزیع شد. اطلاعات و آمار مورد نیاز بعد از گردآوری، در نرم‌افزارهای اکسل و SPSS مورد آنالیز قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد ۸۶٪ سرمایه‌گذاران استان خراسان شمالی اعمال تحریم‌های علیه کشور را به عنوان مانعی اساسی و مهم در کسب‌وکار خود مطرح کرده‌اند.

طبقه‌بندی JEL: M1، M2، O1، O4.

**کلید واژه:** رشد اقتصادی، محیط کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، استان خراسان شمالی.

## مقدمه:

دستیابی به سطوح بالاتر رفاه، از اهداف مهم بشر در تمامی دوران‌ها بوده و موجب شده تا جوامع از همان ابتدا به دنبال کشف علل و عوامل مؤثر بر آن باشند. رشد اقتصادی از جمله این عوامل می‌باشد که بخش عمده‌ای از مطالعات صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان اقتصاد را به خود اختصاص داده است. بخش قابل ملاحظه‌ای از این مطالعات به دنبال پاسخ‌گویی به این مسئله هستند که تعیین‌کننده‌های رشد اقتصادی چه هستند و چگونه می‌توان زمینه بهبود این عوامل را به منظور افزایش رشد اقتصادی فراهم کرد؟ عوامل مختلفی همچون، سرمایه‌گذاری و خصوصی‌سازی، اعتبارات و نقدینگی، توسعه انسانی و بهره‌وری نیروی کار در سیر تکامل الگوهای رشد معرفی شده‌اند و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی در تلاش‌اند تا بتوانند با برنامه‌ریزی‌های صحیح هر چه بیشتر بسترهای بهبود و ارتقاء این عوامل را فراهم نمایند.

می‌توان گفت که تعیین‌کننده‌های رشد اقتصادی در محیطی تحت عنوان «فعالیت اقتصادی» در کنار یکدیگر و به تناسب هم، منجر به «تولید» به عنوان مهم‌ترین پایه رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در جامعه می‌گردد. فعالیت‌های اقتصادی بیشتر موجب رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، مالیات برای دولت و رفاه جامعه می‌گردد (ترک‌نژاد و شیرکوند، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در خلاء صورت نمی‌گیرد و کسب و کار و سرمایه‌گذاری در هر کشور مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت‌بخش در آن کشور است. صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را در کشوری به کار خواهند انداخت که علائم و نشانه‌های امنیت اقتصادی به‌خوبی در آن قابل مشاهده باشد (حسینی‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰). تجویز برنامه‌های خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف و تلاش در جهت بهبود محیط کسب و کار نمونه‌های بارز و عینی در جهت جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری می‌باشند. در یک اقتصاد توسعه یافته و مبتنی بر بازارهای رقابتی، بخش خصوصی به عنوان محور توسعه در نظر گرفته می‌شود و نقش «بخش پویا» را در اقتصاد به خود می‌گیرد و مسئول ایجاد ارتباط بین بخش‌های عقب مانده و پیشرفته اقتصاد با دیگر بخش‌های اقتصاد می‌شود. در چنین اقتصادی تصدی‌گری دولت به حداقل کاهش می‌یابد، و در شرایط آرمانی،

دولت مسئول سیاست گذاری و نظارت برای فراهم آوردن محیط اقتصادی باثباتی می‌شود که بخش خصوصی بتواند در آن رشد کند. دولت با استفاده از سیاست‌های تثبیتی می‌کوشد نوسانات اقتصادی را تا آنجا که مقدور است کاهش دهد، و بدین وسیله، بخش خصوصی را در انجام پیش‌بینی‌های قابل اتکا و اجرای برنامه‌ریزی‌های دقیق یاری رساند. اساساً روح این استراتژی غیر مداخله‌گرانه دولت بر مبنای شرایط مطلوب محیط کسب‌وکار است و بر نوآوری و کارآفرینی برای پیشبرد اقتصاد استوار است (موساکچیو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

در ایران، ابلاغ‌های سیاست‌های اصل ۴۴، اهمیت توجه سیاست‌مداران کشور را به بخش خصوصی نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن این امر و با توجه به نقش و کارایی که بخش خصوصی می‌تواند در پیشبرد سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه‌های ۵ ساله توسعه کشور ایفا کند، لازم است زمینه‌های بهبود مداوم شرایط بخش خصوصی کشور مورد مطالعه بیشتری قرار گیرد. از سوی دیگر با توجه به این که نواحی و مناطق مختلف کشور از نظر ویژگی‌ها و خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و... تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند باید مطالعات به صورت تخصصی‌تر و جزئی‌تر در نواحی و مناطق جغرافیایی مختلف کشور صورت گیرد. با محور قرار دادن این هدف، پژوهش حاضر به بررسی موانع کسب‌وکار استان خراسان شمالی پرداخته است.

شرایط اقتصادی استان خراسان شمالی حاکی از وضعیت نامناسب استان به لحاظ کسب‌وکار و در نتیجه اشتغال می‌باشد. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار و اشتغال، نرخ بیکاری خراسان شمالی از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است که رشدی به میزان ۱۰۰ درصدی را تجربه کرده و از این حیث رتبه اول در بین استان‌های کشور داشته است.

### مبانی نظری:

پیشرفت اقتصادی در هر کشور وابسته به گسترش فعالیتهای اقتصادی در کلیه زمینه هاست و مستلزم آن است که بستر لازم برای این امر فراهم شود؛ بعبارت دیگر موانع موجود در سر راه

<sup>1</sup> Musacchio

فعالیتها از میان برود و زمینه‌های مناسب به این منظور تدارک دیده شود. داشتن بسترهای مناسب کارآفرینی برای ایجاد کسب و کار، باعث افزایش گرایش کارآفرینان و بوجود آمدن طیف وسیعی از کارآفرینان نوظهور می‌گردد و کارآفرینان با اطلاع از شرایط و بسترهای موجود و شناخت ریسکها با دیدگاهی روشن، دست به ایجاد کسب و کار زده و همچنین با بررسی وضعیت این بسترها، موانع و نواقص موجود شناسایی خواهد شد (قزلباش، ۱۳۸۸). بانک جهانی، بهبود محیط کسب و کار را یکی از چالشهای اساسی توسعه کشورهای در حال توسعه معرفی کرده و آن را برای ایجاد فرصت های شغلی، کاهش فقر، کار آفرینی و بهبود فضای استاندارد زندگی مردم اساسی می‌داند (سلطانی، ۱۳۹۰). سایمون در گزارش های بانک جهانی در مورد فضای کسب و کار نشان داد که عملکرد متغیرهای اقتصادی در کشورهای دارای فضای مناسب کسب و کار، بهتر بوده است. به این مفهوم که در کشورهایی که محیط سرمایه گذاری و کسب و کار مناسبی دارند فقر، بیکاری، تورم، فساد اقتصادی، اقتصاد غیررسمی و جز اینها کمتر است و مردم از سطوح استاندارد زندگی بالاتری برخوردارند (دولار و همکاران، ۲۰۱۱). در یک بیان ساده و صریح، می‌توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. آنچه تحت عنوان «فضای کسب و کار خاکستری» در ادبیات اقتصادی و مدیریتی کشور ایران مطرح می‌شود، می‌تواند بر عملکرد مدیران بنگاه‌های تولیدی، نیروی کار، سرمایه‌گذاران اقتصادی، روند تولید و فرآیندهای اقتصادی نظیر فروش، رقابت در عرصه‌های داخلی و جهانی و توسعه صنعتی و اقتصادی کشور تاثیر گذاشته و چهره اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را مخدوش سازد (بانک جهانی، ۲۰۰۸). تعیین اهداف اقتصادی مناسب و انتخاب استراتژی‌های هوشمندانه و تبدیل آن به برنامه‌های عملیاتی، بخش مهمی از فرآیند می‌باشد ولی عامل دیگری که اهمیت بسزایی در دستیابی به اهداف تعیین شده دارد، توسعه و تسهیل فضای کسب و کار می‌باشد که ایجاد، حفظ و بهبود آن نقش مهمی در دستیابی به اهداف اقتصادی تعیین شده دارد؛ برای کنترل وضعیت فضای کسب و کار هر کشوری از جهت توسعه، حفظ و بهبود، نیاز به ابزار کنترلی (شاخص) می‌باشد که انتخاب این شاخص و اندازه گیری دوره‌ای آن و بدنبال آن تعریف برنامه‌های بهبود و اجرای آن برنامه‌ها می‌تواند راهگشای بهبود وضعیت اقتصادی باشد. نمی‌توان این موضوع

را انکار نمود که فضای کسب و کار ارتباط بسیار زیادی به تصویب قوانین و مقررات انجام کار در هر کسب و کار و سهولت یا دشواری این قوانین و مقررات دارد که تشخیص سهولت و دشواری این قوانین از طریق مقایسه آن با سایر کشورها و الگوبرداری از بهترین‌ها، می‌تواند کمک زیادی در بهبود فضای کسب و کار داشته باشد (فرضی، ۱۳۹۰).

فضای کسب و کار در دنیا اولین بار توسط یک اقتصاددان پرویی<sup>۱</sup> به نام هرناندو دی سوتو<sup>۲</sup> مطرح گردید. دی سوتو موانع رشد بخش خصوصی را که تا آن زمان دیگران مشاهده نشده بود را شناسایی کرد. او موانع اصلی را در ضعف یا فقدان نهادها می‌بیند: نهادهایی مثل حقوق مالکیت، حقوق قراردادهای، بازارهای مالی و نظام قضایی مورد احترام که نایاب و ضعیف بودن آن‌ها در جهان سوم، باعث شده است بازارهای مالی این کشورها به نحو کارآمد عمل نکنند. نبود چارچوب نهادی مستحکم در جهان سوم به این معناست که ظرفیت ملتها تقریباً دست نخورده باقی می‌ماند. دی سوتو از نیروهای بازار آزاد و بخش خصوصی حمایت می‌کند و بر کارآفرینی، نوآوری فنی و پویایی ذات اقتصاد بدون برنامه تاکید دارد.

ایده‌های دی سوتو که عمدتاً در حوزه اقتصاد و مرتبط با سیاست و حقوق است به مقررات زدایی، بوروکراسی و ساده‌سازی می‌انجامد. بانک جهانی از سال ۲۰۰۳، با اجرای پروژه انجام «کسب و کار»<sup>۳</sup> به صورت سالانه، سعی در عملیاتی کردن اندیشه‌های دی سوتو در سراسر جهان داشته است. هدف اصلی بانک جهانی از انجام این بررسی‌ها تعیین و ایجاد شاخصی استاندارد برای بررسی و بهبود فضای کسب و کار از نظر قوانین و مقررات است. بهبود شاخص‌های مزبور علاوه بر آنکه ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاران داخلی تلقی می‌شود برای سرمایه‌گذاران خارجی که با اتکا و استناد به آمارهای فضای کسب و کار قصد بررسی موقعیت و شرایط کشوری را برای سرمایه‌گذاری دارند ترغیب کننده خواهد بود و باعث ارتقاء رتبه بندی جهانی کشورها در محاسبات بین‌المللی است.

<sup>1</sup> Peru

<sup>2</sup> Hernando de Soto

<sup>3</sup> Doing Business Project

### شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی:

نخستین گزارش فضای کسب‌وکار<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۳ و با تحلیل و بررسی ۵ مجموعه شاخص کسب‌وکار در ۱۳۳ اقتصاد جهان منتشر شد. با گذشت زمان و با تغییر متدولوژی بانک جهانی، تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و همچنین کشورهای مورد نظر در این خصوص افزایش یافت؛ به طوری که شاخص‌های کلی مورد نظر از ۵ شاخص در گزارش انجام کسب‌وکار در سال ۲۰۰۴ به ۷ شاخص در گزارش سال ۲۰۰۵ افزایش یافت و از سال ۲۰۰۵ میلادی تا به حال تقریباً از ۱۰ شاخص کلی جهت بررسی و تحلیل وضعیت سهولت کسب‌وکار در کشورها استفاده می‌شود. تعداد کشورهای مورد مطالعه نیز از ۱۳۳ کشور در سال ۲۰۰۴ به ۱۸۹ کشور در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است (doingbusiness reports, 2004-2009).

شاخص‌های ده‌گانه بانک جهانی که به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش و ارزیابی فضای کسب‌وکار در گزارش (۲۰۱۱) معرفی شده‌اند، مؤلفه‌های: شروع کسب‌وکار، اخذ مجوزها، دسترسی به الکترونیسته، ثبت دارایی، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران)، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، انحلال یک فعالیت و الزام آور بودن قراردادها را در بر می‌گیرد.

بانک جهانی با استناد به ۱۰ شاخص فوق (هر یک از شاخص‌ها نیز بر مؤلفه‌های مختلفی استوار است) رتبه سهولت کسب‌وکار را در کشورهای مختلف محاسبه و به صورت مقایسه‌ای برای تمامی ۱۸۹ کشور گزارش می‌نماید.

گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی با وجود اهمیتی که در برخی کشورها از جمله ایران دارد، واجد اشکالات اساسی نظری و روشی است. این پروژه قصد دارد تا مؤلفه‌هایی که برای همه کشورها کاربرد دارد تعیین کند و به همین دلیل به سراغ مؤلفه‌هایی رفته است که مشکل همه کشورها باشد و بتواند اطلاعات لازم را در مورد مؤلفه‌های مورد تحلیل از همه کشورها فراهم کند.

<sup>1</sup> Doing Business

بنیتو ارونادا<sup>۱</sup> استاد دانشگاه "پمپئو فابرا"<sup>۲</sup> در اسپانیا، معتقد است که گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی با دیدی تنگ‌نظرانه مؤلفه‌های محیط کسب و کار را می‌نگرد و نسبت به ابعاد مهمی از محیط کسب و کار نظیر درجه توسعه‌یافتگی، عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های معاملاتی بی‌توجه است.

گزارش‌های بانک جهانی همچنین به اقتضانات بومی و ملی کشورها توجهی ندارد و ابعاد پیچیده و متنوع کسب و کار را، که در کشورهای مختلف با توجه به فرهنگ، نهادها، نظام قضایی و سایر عوامل، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است، در چند شاخص ساده و عددی (نظیر تعداد دستورالعمل‌های ورود، هزینه ورود و زمان ثبت کسب و کار) خلاصه کرده است. لذا شناخت این حوزه را نیز به یک بررسی غیر تحلیلی ساده‌انگارانه تقلیل داده است و برای همه کشورها با هویت و شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت توصیه‌های مشابه ارائه می‌کند (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰).

### الگوی ملی محیط کسب و کار:

در پی ایجاد شاخصی برای ارزیابی فضای کسب و کار متناسب با مقتضیات شرایط ایران، با هدف اعمال سیاست‌های مناسب در جهت ارتقای وضعیت کسب و کار بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور، گروه مطالعات محیط کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در زمستان سال ۱۳۸۸ تشکیل شد. این گروه بر اساس تعریف "محیط کسب و کار" از پنج تشکل اقتصادی سراسری کشور شامل اتاق‌های بازرگانی صنایع و معادن، انجمن‌های مدیران صنایع، شوراهای اصناف، خانه‌های صنعت و معدن و کانون‌های عالی کارفرمایی، و حتی‌المقدور شعب استانی آن‌ها درخواست کرد تا «عواملی که بر عملکرد و اداره بنگاه‌های زیرمجموعه خود مؤثر؛ اما خارج از کنترل

<sup>1</sup> Arrunada, Bennito

<sup>2</sup> Pompeu Fabra University



مدیران بنگاه‌ها هستند» را معرفی کنند (گزارش فصلی پایش فضای کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹).

گروه مطالعات محیط کسب‌وکار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارزیابی تشکلهای اقتصادی سراسر کشور، از وضعیت مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران را با ابزار پرسشنامه استخراج و نتایج آن را در قالب گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب‌وکار در ایران را منتشر می‌کند.

مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به اقتضا و تناسب اقتصاد ایران شناسایی و تعریف شده‌اند و با شاخص‌های مشهور بین‌المللی نظیر شاخص "انجام کسب‌وکار" بانک جهانی<sup>۱</sup> یا گزارش جهانی رقابت‌پذیری<sup>۲</sup> تفاوت‌هایی دارند. مؤلفه‌های الگوی ملی پایش محیط کسب و کار کشور شامل: مشکلات متعارف تولیدکنندگان ایرانی، اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان، برگشت چک‌های مشتریان و همکاران، بی‌تعهدی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران، بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه، بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری، تثبیت نرخ ارز با وجود تورم در داخل و ثبات قیمت‌ها در بازارهای هدف، تعرفه پایین کالاهای وارداتی و رقابت غیر منصفانه محصولات رقیب خارجی در بازار، تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه، تولید کالاهای غیر استاندارد، تقلبی و عرضه نسبتاً بدون محدودیت آن به بازار، زیاد بودن تعطیلات رسمی، ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیر رسمی، ضعف دادسراها در رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها و اجبار طرف‌های قرارداد به انجام تعهدات، ضعف زیر ساخت‌های تأمین برق، ضعف زیر ساخت‌های حمل و نقل

ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف‌کننده، عرضه کالاهای خارجی قاچاق در بازار داخلی، قیمت‌گذاری غیر منطقی محصولات تولیدی توسط دولت و نهادهای

<sup>۱</sup> Ease of Doing Business Index

<sup>۲</sup> Global Competitiveness Report

حکومتی، محدودیت قانون کار در تعدیل و جابه‌جایی نیروی کار، مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها، موانع تعرفه‌ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه، نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی، وجود مفسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی، شیوه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و وضعیت واحدهای تولیدی پس از آزادسازی حامل‌های انرژی می‌باشد.

### پیشینه تحقیق:

#### مطالعات انجام شده در خارج از کشور:

کلاپر و لاوی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱، با استفاده از داده‌های پانل در ۹۲ کشور جهان به بررسی تأثیر اصلاحات صورت گرفته برای محیط کسب‌وکار در ثبت شرکت‌های جدید پرداخته‌اند.

بیشتر دولت‌ها در پاسخ به بحران مالی ۲۰۰۸، سیاست‌ها و اصلاحاتی با هدف ترویج ایجاد بنگاه‌های جدید، در پیش گرفتند. برای مثال، سیاست گذاران ایالات متحده حمایت‌های دولتی بیشتری از کارآفرینان را به منظور کمک به رقابت‌پذیری مجدد در اقتصاد جهانی را در برنامه خود قرار دادند.

تا تاریخ ۲۰۰۸/۰۹، ۱۳۱ اقتصاد در سراسر جهان اصلاحاتی در جهت: تسهیل قوانین کسب‌وکار، ساده‌سازی شروع کسب‌وکار، تقویت حقوق مالکیت، بهبود روش‌ها حل اختلاف و فرآیند ورشکستگی را اعمال کردند.<sup>۲</sup> اصلاحات ثبت شده در گزارش، مربوط به کشورهای با درآمد پایین و کمتر از متوسط بوده است. (بیشترین اصلاحات انجام شده مربوط به رواندا<sup>۲</sup> می‌باشد).

کلاپر و لاوی در پژوهش خود به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که آیا بعضی از اصلاحات مهم‌تر از بقیه بوده‌اند؟. برای مثال آیا اصلاح شروع کسب‌وکار و ثبت شرکت که به کارآفرینان اجازه

<sup>۱</sup> Klapper and Love

<sup>۲</sup> Rwanda

ثبت سریع شرکت را می‌دهد بدون توجه به مؤلفه اخذ مالیات و مراجعات به اداره مالیات تغییر چشمگیری در بهبود ترویج ایجاد بنگاه‌های کسب‌وکار داشته است؟.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاحات کوچک که هزینه‌ها، زمان و تعداد فرایند مورد نیاز برای ثبت شرکت را کمتر از ۴۰٪ کاهش داده‌اند، اثر قابل توجهی در ایجاد شرکت جدید نداشته‌اند. بدین معنی که اصلاحات کوچک اثر چشمگیری در توسعه بخش خصوصی ندارد.

در پایان نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که کشورهایی با محیط کسب‌وکار ضعیف‌تر، نیاز به اصلاحات نسبتاً بزرگ‌تری دارند تا بر رشد بنگاه‌های جدید تأثیرگذار باشد.

چاویس<sup>۱</sup> و کلاپر (۲۰۱۰)، با استفاده از یک بانک اطلاعاتی مشتمل بر ۷۰۰۰۰ بنگاه عمدتاً کوچک، در بین ۱۰۰ کشور به مطالعه نظام‌مند استفاده از روش‌های مختلف تأمین مالی برای بنگاه‌های نوپا پرداختند. این مطالعه به بررسی نوع تأمین مالی که بنگاه‌های نوپا در مقایسه با بنگاه‌های رشد یافته و قدیمی انتخاب می‌کنند و ارتباط آن را با محیط کسب‌وکار می‌پردازد.

روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های رشد یافته می‌تواند از طریق نظریه سلسله مراتبی تأمین مالی توضیح داده شود. این بنگاه‌ها به دلیل سوددهی بالا عمدتاً وجوه داخلی بیشتری دارند و لذا ترجیح می‌دهند از منابع داخلی خود انتخاب کنند. علاوه بر این شهرت خوب مانند سابقه اعتباری طولانی، می‌تواند مشکل انتخاب کژگزینی وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان را کاهش دهد. بنابراین بنگاه‌های رشد یافته نسبت به بنگاه‌های نوپا، در شرایط مالی بهتری می‌توانند به وام دسترسی پیدا کرده و عموماً قبل از روش اوراق سهام از طریق وام گرفتن نیازهای مالی خود را برطرف کنند.

نویسندگان با مدنظر قرار دادن چهار گروه مختلف تأمین مالی شامل «تأمین مالی بانکی (محلّی و خارجی)»<sup>۲</sup>، «لیزینگ و اعتبار تجاری»<sup>۱</sup>، «اوراق سهام»<sup>۲</sup> و «تأمین مالی غیررسمی (مانند دوستان، خانواده و...)»<sup>۳</sup> تلاش دارند تا پاسخ‌هایی برای سوالات زیر بیابند:

<sup>1</sup> Chavis

<sup>2</sup> local and foreign bank financing

چه رابطه‌ای بین عمر بنگاه و نوع تأمین مالی وجود دارد؟

آیا استفاده از تأمین مالی غیررسمی بیشتر توسط بنگاه‌های نوپا صورت می‌گیرد یا بنگاه‌های رشد

یافته؟

محیط کسب و کار چه اثری بر نوع تأمین مالی بنگاه‌ها دارد؟

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد:

در همه کشورها، بنگاه‌های جدید و نوپا نسبت به بنگاه‌های قدیمی بیشتر به شکل غیررسمی تأمین مالی شده‌اند تا منابع بانکی. البته در کشورهایی که حاکمیت قانون و اطلاعات اعتباری بهتر و وسیع‌تر است، بنگاه‌های نوپا از منابع بانکی بیشتر استفاده می‌کنند که این مسئله عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد.

کیفیت محیط نهادی و شاخص‌های محیط کسب‌وکار تأثیر زیادی بر تسهیل دسترسی بنگاه‌های نوپا به تأمین مالی رسمی دارند.

به موازات افزایش عمر بنگاه، استفاده از تأمین مالی غیررسمی کاهش می‌یابد و سهم منابع رسمی (بانکی، لیزینگ و اعتبار تجاری) در هر یک از نیازهای سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری جدید افزایش می‌یابد.

برگ و کازس<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان "شاخص‌های فضای کسب‌وکار: مسائل مربوط به اندازه‌گیری و مفاهیم سیاسی"، به روش توصیفی به بررسی انتقادی از شاخص استخدام نیروی کار و سیاست‌های این شاخص پرداخته است. نویسندگان در این مقاله از یک سو مفاهیم و همچنین کاربردهای سیاستی استخدام نیروی کار را با به کارگیری اجزاء شاخص جهانی فضای کسب‌وکار

<sup>1</sup> leasing, trade credit

<sup>2</sup> credit cards

<sup>3</sup> family and friends, and informal lenders

<sup>4</sup> Berg & Cazes

نشان داده و از سوی دیگر، انعطاف‌پذیری در قوانین بین‌المللی کار، حداقل دستمزد، اخراج نیروی کار، جداسازی پرداخت‌ها، ساعت کار، مرخصی سالانه و نهایتاً هزینه‌های نیروی کار بدون دستمزد را ارزیابی نموده است.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که کشورها با دخالت کمتر در این امور رتبه بهتری را در شاخص استخدام نیروی کار به خود اختصاص داده‌اند.

### مطالعات انجام شده در داخل کشور:

صالح‌آبادی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب‌وکار کشور پرداخت. هدف از این تحقیق بررسی راهکارهای بهبود فضای کسب‌وکار با استفاده از ابزارهای بازار سرمایه و در حدود مقررات این بازار بوده است. به این منظور، نویسنده در وهله نخست از شاخص‌های معتبر پروژه کسب‌وکار بانک جهانی استفاده نموده تا حیطه فعالیت و نقاط حساس و نیازمند توجه سیاست‌گذاران بازار سرمایه را تعیین کند. سپس با پرداختن به ۳ شاخصه اصلی (افشای اطلاعات، مسئولیت مدیران در خصوص معاملات با افراد وابسته و سهولت دادخواست سهامداران جزء از مدیران) که می‌توانند فضای کسب‌وکار در بازار سرمایه را بهبود بخشند امکان ارتقای رتبه کشور در پروژه انجام کسب‌وکار را مورد بررسی قرار داده و همچنین فضای داخلی کسب‌وکار در بازار سرمایه و اقدامات صورت گرفته در این ۳ حوزه را مورد سنجش قرار داده است. علاوه بر این، در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مفاد قانونی موجود در قانون تجارت، قانون دادرسی آیین مدنی و همچنین دستورالعمل‌های سازمان بورس و اوراق بهادار را مورد بررسی قرار داده و با مشورت و مصاحبه با حقوق‌دانان امکان استفاده از قوانین موجود برای ارتقای رتبه ایران در بانک جهانی را مورد بررسی قرار دهد.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد: نمره ایران در شاخصه افشای اطلاعات از میانگین خاورمیانه و حتی کشورهای OECD بالاتر است که نشان دهنده عملکرد خوب در حوزه افشای اطلاعات می‌باشد، اما متأسفانه در ۲ شاخصه دیگر یعنی مسئولیت مدیران و سهولت دادخواست از مدیران

رتبه کشور بسیار پایین تر از متوسط جهانی قرار دارد؛ به طوری که در شاخصه امکان دادخواست از مدیران توسط سهام دارن جزء ایران در رده ۱۸۵ جهان قرار گرفته است. صالح‌آبادی یادآور می‌شود که رشد کشور در این شاخصه‌ها نیازمند همکاری همه جانبه دستگاه قانون گذاری، دستگاه قضایی و دستگاه‌های اجرایی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد.

ابوذر سالاری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با ذکر مطالب فوق در ارتباط با مؤلفه مالیاتی، ضمن بررسی و معرفی شاخص‌های کسب‌وکار، شاخص‌های رقابت پذیری اقتصاد و مقایسه ایران در این شاخص‌ها با کشورهای برتر جهان و کشورهای منطقه به طور مبسوط به بررسی شاخص‌های مربوط به مالیات و اثر آن بر فضای کسب‌وکار کشور پرداخته و آثار این شاخص بر عملکرد اقتصادی را بررسی نموده و ضمن ترسیم فضای روشن از وضعیت ارتباط نظام ۲۰۰۵ (پیشنهادات زیر را جهت بهبود وضعیت نظام - مالیاتی کشور با فضای کسب‌وکار را ارائه می‌نماید:

- اجرای سامانه نظام یکپارچه مالیاتی
- هدفمند کردن معافیت‌ها
- جلوگیری از ایجاد تبعیض در معافیت‌های مالیاتی
- استفاده از سیستم الکترونیک به منظور محاسبه و پرداخت مالیات
- ارتقاء شبکه محلی و گسترده و ارتباطات راه دور
- بازنگری و بهبود قوانین و مقررات و آیین نامه‌های امور مالیاتی
- تشکیل پرونده مالیاتی به صورت الکترونیکی
- اعتماد به سیستم خود اظهاری
- برنامه ریزی به منظور مشخص نمودن وضعیت ارتباط پرداخت حق بیمه و پرداخت مالیات به منظور بهبود مراحل پرداخت

اشرفی و فهیمی فر (۱۳۹۰)، به بررسی و مقایسه شاخص‌های مرتبط با بهبود فضای کسب‌وکار در بین کشورهای همسایه ایران شامل: افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، مصر، ایران، عراق، اردن،

قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، پاکستان، ترکیه، امارات متحده عربی، ازبکستان و یمن، طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۲، پرداختند.

نتایج این مطالعه حاکی از آنست که شاخص‌های ثبت و انتقال مالکیت، شروع یک کسب‌وکار، پرداخت مالیات، حمایت از سرمایه‌گذاران، الزام آور بودن اجرای قراردادهای، اخذ اعتبار، انحلال، اخذ مجوز و در نهایت شاخص تجارت برون مرزی به ترتیب به طور میانگین دارای کم‌ترین میزان رتبه بوده‌اند، به گونه‌ای که شاخص ثبت و انتقال مالکیت دارای میانگین ۶۹ و تجارت برون مرزی دارای میانگین ۱۱۴ شده‌اند. این امر گویای آنست که در بین کشورها و سال‌های مورد مطالعه شاخص ثبت و انتقال مالکیت در کشورهای همسایه ایران دارای جایگاه بهتری نسبت به بقیه کشورهای جهان بوده‌اند و شاخص تجارت برون مرزی دارای عدم جایگاه مناسب در بین کشورهای جهان می‌باشد. البته لازم به ذکر است که در رابطه با شاخص ثبت و انتقال مالکیت رتبه خوب جهانی کشورهایی مانند عربستان و ارمنستان و امارات متحده عربی مزید بر علت می‌باشد.

در رابطه با شاخص کلی، کشور عربستان بهترین و افغانستان بدترین رتبه، قزاقستان بیشترین میزان پیشرفت و عراق بیشترین میزان افزایش رتبه را داشته‌اند. از بین کشورهای مورد مطالعه، کشورهای عربستان، امارات متحده عربی و آذربایجان تقریباً در تمام شاخص‌ها رتبه خوبی را دارا بوده‌اند و کشورهای عراق، افغانستان و سوریه نیز در تقریباً رتبه بالایی را بین تمام شاخص‌ها به خود اختصاص داده‌اند. کشور آذربایجان در مقایسه تمام شاخص‌ها بین سال‌های مورد بحث بیشترین میزان پیشرفت شاخص‌ها را نسبت به سایر کشورها دارا بوده است.

شاخص‌های الزام آور بودن اجرای قراردادهای، شروع یک کسب‌وکار، اخذ اعتبار، پرداخت مالیات، انحلال یک فعالیت، تجارت برون مرزی، ثبت و انتقال مالکیت، اخذ مجوز و در نهایت شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران به ترتیب به طور میانگین دارای کم‌ترین میزان رتبه در کشور ایران بوده‌اند، به گونه‌ای که شاخص الزام آور بودن اجرای قراردادهای میانگین ۵۰ و شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران دارای میانگین ۱۶۳ می‌باشند. این امر گویای آنست که کشور ایران در رابطه با شاخص‌ها و عوامل مرتبط با شروع یک فرایند کسب‌وکار به خوبی عمل نموده، اما در راستای ادامه

فعالیت و از جمله مهم‌ترین آن‌ها، حمایت از سرمایه‌گذاران دارای ضعف در عملکرد می‌باشد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مشاهده می‌شود کشور ایران در بین کشورهای منطقه در اکثر شاخص‌ها رتبه بالایی را دارا می‌باشد و در میان کشورهای منطقه عملکرد خوبی را در رابطه با فضای کسب‌وکار نشان نداده است. البته لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر با توجه به تمهیدات صورت گرفته در بهبود شرایط کسب‌وکار رتبه منطبق‌های و جهانی ایران بهبود یافته، اما هنوز با سطح مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد.

خضری (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای برخی از عمده‌ترین آسیب‌های لایحه برنامه پنجم از منظر راهبرد بهبود محیط کسب‌وکار را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

تمرکز این مقاله بیشتر بر شناسایی برخی سیاست‌ها و اقداماتی در لایحه برنامه پنجم بوده که به ناامنی بیشتر فضای کسب‌وکار کشور دامن می‌زنند. هر چند، سیاست‌ها و اقدامات زیادی نیز وجود دارد که در جهت بهتر کردن فضای کسب‌وکار کشور است. ماده‌های (۹۳ - بند ج)، ۹۶ و (۹۷-بند ج)، از جمله آن‌هاست.

در لایحه برنامه پنجم، ریشه نامناسب بودن فضای کسب‌وکار کشور نه در مسائلی همچون بی‌ثباتی رفتارها و سیاست‌های دولت، گستردگی مداخله‌های دولت در اقتصاد و دست‌کاری قیمت‌ها، اقتدار بوروکراتیک و جز این‌ها، بلکه در کمبود اقدامات اجرایی و سیاستی دیده شده است. بنابراین خضری در این مقاله بیان می‌کند که "بیم آن می‌رود که اجرای لایحه برنامه پنجم به سبک و سیاق کنونی، به گسترش بوروکراسی و اقتدار بوروکراتیک و نیز به افزایش دامنه مداخله‌های دولت در فعالیت‌های اقتصادی بینجامد و بر ناامنی محیط کسب‌وکار کشور افزوده شود".

همچنین در این مقاله آمده است: "از بررسی سیاست‌های لایحه بر نامه پنجم می‌توان فهمید دولت بر این موضوع واقف است که برای تعدیل مشکلات و غلبه بر چالش‌های احتمالی اقتصادی کشور، بهبود فضای کسب‌وکار مؤثرترین راهبرد ممکن است. بر این اساس، احکام و سیاست‌هایی در راستای مساعدتر کردن محیط سرمایه‌گذاری و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی در کشور در لایحه



برنامه پنجم پیش بینی شده است. با این همه، از بررسی اقدامات پیش بینی شده می‌توان برداشت کرد که درک ناقصی از چارچوب فضای کسب‌وکار در لایحه پیشنهادی دولت وجود دارد. به همین دلیل، احکام و سیاست‌های لایحه در مورد بهبود محیط کسب‌وکار کافی نبوده و به درستی در راستای این مهم هدف‌گذاری نشده است".

همچنین نویسنده ریشه ضعف و نابالغی بخش خصوصی در کشور و ماهیت رانتی آن را که بیانگر سنگینی هزینه‌های مبادله و نامساعد بودن فضای کسب‌وکار در کشور است، را به میزان زیادی در اعتماد پایین دولت به آن و نوع نگاه دولت به این بخش می‌داند. و می‌گوید "در لایحه برنامه پنجم، نقش منفعلی به بخش خصوصی داده شده که باید پیرو قانون‌گذاری‌های اقتصادی دولت و در کنترل آن باشد و در چارچوب دستورالعمل‌های دولتی و آن گونه که دولت می‌خواهد، عمل کند. نگاه دولت به بخش خصوصی در لایحه برنامه، نوعی نگاه پدرسالارانه و نه همکارانه و مکملی است و در سیاست‌های لایحه پیشنهادی دولت، بخش خصوصی هویت مستقل ندارد و به بازی گرفته نشده است. بخش خصوصی بیشتر به عنوان ابزاری در راستای نیل به اهداف دولت دیده شده نه به عنوان تولیدکننده ثروت که دولت باید برای کارکرد صحیح آن بسترسازی کند تا ظرفیت‌های رفاهی آن در اختیار جامعه قرار گیرد".

شفیعی (۱۳۹۲)، در پژوهشی بر پایه یک مطالعه تطبیقی و با ترکیب مفاهیم تعهد سازمانی و سرمایه انسانی در شرکت‌های نوپا، به بررسی نقش تعهد سازمانی در امکان انسجام تیم کاری در مراحل اولیه شکل‌گیری یک کسب‌وکار پرداخته است. در واقع هدف این مقاله برقراری تناظری بین اهمیت منابع انسانی در کسب‌وکارهای نوپا و نقش آن در بقای کسب و کار و کارکرد تعهد سازمانی در برآوردن این الزامات است.

مرور مطالعات انجام شده در زمینه فضای کسب‌وکار نشان دهنده آنست که بعد از مطرح شدن مفهوم و مشخص شدن برخی از تعیین کننده‌های محیط کسب‌وکار، بررسی‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است. که این موضوع حاکی از اهمیت موضوع و نقش آن در رشد و توسعه جوامع است.

همچنین بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد، بیشتر مطالعات صورت گرفته در ایران در سطح کشور بوده و مطالعات کمی فضای کسب‌وکار را به صورت جزئی‌تر در سطح استانی مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالی است که مناطق مختلف دارای شرایط جغرافیایی و ویژگی‌های اقتصادی متفاوتی می‌باشند. لذا به منظور بهبود وضعیت کسب‌وکار استان‌ها و اتخاذ سیاست‌های مربوط باید پژوهش‌هایی در سطح استان‌های مختلف صورت گیرد تا عوامل مؤثر بر فضای کسب‌وکار در هر استان را مشخص نماید. بدین منظور طی سال‌های اخیر در برخی از استان‌های کشور مطالعاتی صورت گرفته است.

مطالعه حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر فضای کسب‌وکار استان خراسان شمالی را محور خود قرار داده است.

### روش تحقیق:

با وجود آنکه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با توجه به ایرادات و انتقادات مطرح شده در خصوص شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی، الگوی ملی پایش محیط کسب‌وکار را طراحی نموده و به صورت فصلی استان‌های کشور را اساس مؤلفه‌های آن مورد پایش قرار می‌دهد، اما به دلیلی گستردگی پایش در سطح ملی، در مطالعات این مرکز به خوبی می‌توان درک نمود که نمونه انتخابی از استان‌ها که اکثراً خصوصی و عمومی می‌باشند، نمی‌تواند به خوبی معرف ویژگی‌های جامعه هدف باشند. لذا پژوهش حاضر، در یک پایش میدانی وضعیت محیط کسب‌وکار استان خراسان شمالی را بر پایه الگوی ملی طراحی شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد.

به منظور تعیین حجم نمونه، ۱۴۵ واحد فعال در سطح شهرک‌های صنعتی استان به عنوان حجم جامعه آماری در نظر گرفته شد. بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۵۸ واحد به عنوان حجم نمونه متناسب با حجم جامعه آماری پژوهش انتخاب گردید.

داده‌های گردآوری شده توسط نمونه مورد بررسی در بسته آماری برای علوم اجتماعی<sup>۱</sup> (SPSS) و نرم افزار مایکروسافت اکسل<sup>۲</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### نتایج بررسی وضعیت مؤلفه‌های فضای کسب‌وکار در استان خراسان شمالی

به منظور بررسی شدت تأثیر هر یک از مؤلفه‌های مؤثر بر فضای کسب و کار استان خراسان شمالی، در یک طبقه‌بندی کلی مؤلفه‌های ۲۲گانه الگوی ملی کسب‌وکار به هفت مؤلفه اصلی شامل: اعمال تحریم‌های بین‌المللی، تأمین مالی، سیاست‌های پولی و مالی، بازاریابی و فروش، نظارت، قوانین و مقررات و زیرساخت‌ها تقسیم شدند.

پرسشنامه طراحی شده در خصوص وضعیت مؤلفه‌های فضای کسب‌وکار استان خراسان شمالی در بین ۵۸ نفر از فعالین اقتصادی استان به عنوان نمونه مطلوب جامعه آماری مورد بررسی، توزیع و تکمیل شد. جدول (۲) بیانگر نتایج آنالیز ارزیابی سرمایه‌گذاران استان در خصوص میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌های فضای کسب‌وکار بر محیط سرمایه‌گذاری استان است:

---

<sup>1</sup> Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)

<sup>2</sup> Microsoft Excel

جدول ۱- توزیع فراوانی نسبی آراء سرمایه‌گذاران استان خراسان شمالی در خصوص مؤلفه‌های

فضای کسب‌وکار استان - درصد

شرح	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
اعمال تحریم های بین المللی	۱۰,۳	۳,۴	۱۷,۲	۲۵,۹	۴۳,۱	۰
تامین مالی	۸,۶	۳,۴	۱۲,۱	۲۷,۶	۴۳,۱	۵,۲
سیاستهای پولی و مالی	۸,۶	۲۵,۹	۲۲,۴	۱۷,۲	۱۵,۵	۱۰,۳
فروش و بازاریابی	۶,۹	۲۲,۴	۲۴,۱	۳۱,۰	۱۰,۳	۵,۲
نظارت	۳,۴	۵,۲	۲۲,۴	۳۱,۰	۲۵,۹	۱۲,۱
قوانین و مقررات	۳,۴	۵,۲	۱۹,۰	۳۱,۰	۲۴,۱	۱۷,۲
زیرساختها	۱۹,۰	۲۹,۳	۱۷,۲	۱۷,۲	۱۰,۳	۶,۹

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول (۱)، مؤلفه‌های اعمال تحریم های بین المللی و تامین مالی بیشترین اثر سوء را در توسعه تمایل سرمایه‌گذاران به مشارکت در بنگاه‌های کوچک و متوسط استان به همراه دارد. به طوری که بیش از ۷۰٪ سرمایه‌گذاران نمونه مورد بررسی میزان تأثیر این مؤلفه‌ها را بر وضعیت کسب‌وکار استان بیشتر از حد متوسط می‌دانند.

بی‌تعهدی موسسات و شرکت‌های دولتی در پرداخت به موقع بدهی به پیمانکاران منجر به مختل نمودن برنامه‌های تامین مالی سرمایه‌گذاران از طریق منابع داخلی و ضعف آشنایی با بازار سرمایه در تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری استان از طریق ابزارهای نوین مالی مانند اوراق صکوک مرابحه، استصناع و... و انتقال بار تأمین مالی بر دوش بانک‌های این استان، از جمله مهم‌ترین چالش‌های تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران استان است که بر نااطمینانی‌های تامین مالی به طور چشمگیری تأثیرگذار بوده است.

نظارت و قوانین مقررات مؤلفه‌هایی هستند که به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم بیشترین تأثیر سوء را بر محیط کسب و کار استان خراسان شمالی دارا بوده‌اند. علیرغم وجود قوانین مطلوب،

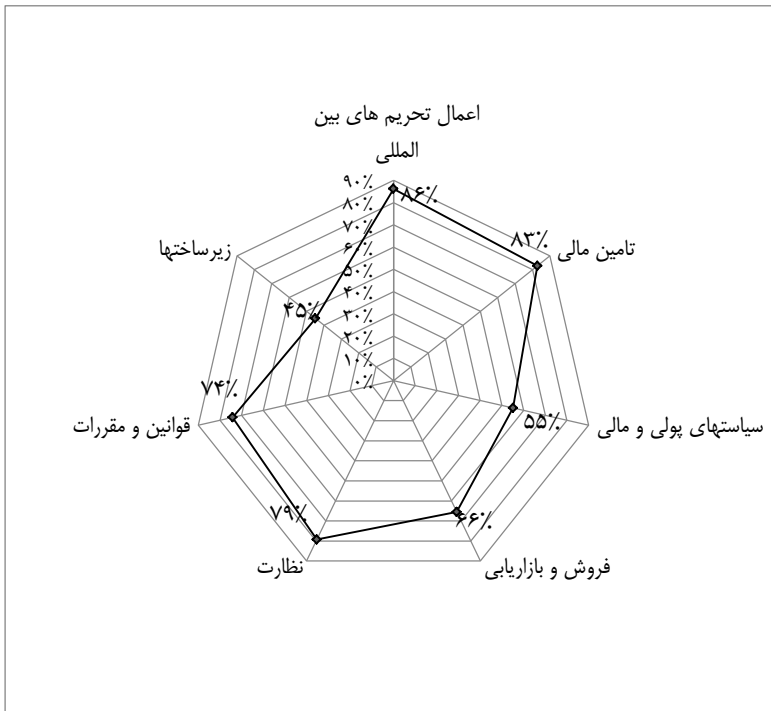
در برخی از حوزه‌ها مانند الزام به تولید کالاهای استاندارد، کنترل واردات و صادرات و فقدان محاکم قضایی خاص با موضوع رسیدگی به پرونده‌های سرمایه‌گذاران، کم تحرکی کمیته قضایی حمایت از سرمایه گذاری از زمان تشکیل تا کنون، در عمل اجرای این قوانین به طور مطلوبی در استان صورت نپذیرفته و منجر به نارضایتی سرمایه‌گذاران از نظارت‌های غیرنتیجه بخش و یا عدم نظارت‌های مربوطه شده است.

تغییرات پی در پی قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری همچون: تغییرات مستمر تعرفه‌های واردات، پیمان‌سپاری ارزی، نرخ بهره مالکانه معادن، تعیین دستوری نرخ بهره بانکی و... نیز از دیگر عواملی است که منجر به سردرگمی سرمایه‌گذاران و عدم امکان برنامه‌ریزی صحیح شده است.

مؤلفه فروش و بازاریابی رتبه پنجم در میان هفت مؤلفه کلی مورد بررسی را به خود اختصاص داده است. عدم اعتماد مردم به محصولات داخلی و تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی در میان سایر مؤلفه‌ها، ضعف دانش بازاریابی و برند سازی و ضعف تشکیل کنسرسیوم‌های تامین مواد اولیه و فروش محصولات تولیدی و توزیع مویرگی کالاهای تولیدی به طور پررنگ‌تری بازاریابی و فروش محصولات تولیدی در استان را با مشکل مواجه نموده است.

در بین مؤلفه‌های هفت‌گانه محیط کسب‌وکار، خدمات عمومی و زیرساخت‌ها عاملی است که کم‌ترین میزان تأثیرگذاری را در نامساعد نمودن شرایط کسب‌وکار استان ایفا کرده است. در این خصوص حدود ۲۷٪ فعالان اقتصادی نمونه مورد بررسی تأثیر این عامل بر نامساعدی محیط کسب و کار استان را بیشتر از متوسط ارزیابی نموده‌اند.

نمودار (۱) بر اساس جدول (۱) گویای شدت تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های محیط کسب و کار بر وضعیت کسب و کار استان خراسان شمالی می‌باشد.



نمودار ۱- توزیع فراوانی نسبی آراء سرمایه‌گذاران استان خراسان شمالی در خصوص مؤلفه‌های فضای کسب و کار استان - درصد

### جمع‌بندی و پیشنهادات:

اهمیت رشد اقتصادی در ایجاد رفاه و درآمد، جوامع مختلف را به سمت مطالعه عوامل مؤثر بر آن سوق داد. بر اساس مطالعات انجام شده در این حوزه، محیط مناسب سرمایه‌گذاری و کسب و کار از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که بر تولید و ایجاد اشتغال در اقتصادها تأثیر بوده و موسساتی مانند بانک جهانی در سطح بین‌المللی به رتبه‌بندی و بررسی عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار بین کشورهای جهان پرداخته‌اند. اما به دلایل متعددی از جمله ساده‌سازی شاخص جهت قابل

بررسی بودن آن در کشورهای مختلف، انتقاداتی توسط محققین به این شاخص‌ها وارد شده است. برای رفع این مشکل کشورهای مختلف به مطالعه و تهیه الگوهای پایش و رصد وضعیت محیط کسب و کار کشور به صورت منطقه‌ای نموده‌اند. در ایران نیز مرکز پژوهش‌های مجلس از سال ۱۳۸۹ شروع به انتشار گزارش‌های کارشناسی ارزیابی و پایش محیط کسب و کار استان‌های کشور نموده است. با وجود این به دلیل بررسی‌های درون استانی به طور مجزا به دلیل گسترده شدن نمونه مورد بررسی و نیز مطالعه دقیق‌تر و جزئی‌تر می‌تواند در ترسیم محیط کسب و کار استان شفافیت بیشتری را به همراه داشته باشد. با محور قرار دادن این هدف، مقاله حاضر به پایش محیط کسب و کار استان خراسان شمالی بر اساس هفت مؤلفه کلی مؤثر بر محیط کسب و کار پرداخته است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور بیشترین تأثیر سوء را بر محیط سرمایه‌گذاری استان داشته است. با توجه به تلاش‌های مسئولین امر در جهت لغو و کاهش اثرات سوء تحریم‌ها امید است چرخ رونق کسب و کار با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی بهتر از گذشته حرکت نماید. همچنین سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در محیطی که قبلاً سرمایه‌گذاری نموده‌اند و امنیت آن تامین شده و مشکلات آن کمتر است مجدداً سرمایه‌گذاری نمایند. در چنین شرایطی دستگاه‌های اداری استان خراسان شمالی برای رقابت با سایر استان‌ها در جذب سرمایه بیشتر جهت رفع محرومیت‌زدایی خود باید تلاش نمایند تا موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاران را شناسایی و در صدد رفع آن برآیند. زیرا با توجه به کمبود منابع سرمایه‌گذاری و ضرورت تخصیص بهینه این منابع جهت تحریک رشد اقتصادی، لازم است مزیت‌های نسبی استان در زمینه تخصیص منابع سرمایه‌گذاری، به درستی شناسایی شده و با هدایت منابع سرمایه‌گذاری به مولدترین و کارآمدترین بخشها زمینه استفاده کارآمد از منابع محدود در جهت تسریع رشد اقتصادی استان را فراهم نمایند.

برای تحقق این امر موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

▪ پیروی از نظام برنامه‌ریزی مدون اقتصادی در کشور.

▪ اصلاح سیستم پولی، بانکی و نظام مندی سیستم ارزی کشور.

اجرای کامل قانون و آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ توسط کلیه دستگاه های اجرایی و نظارت بیشتر سازمان های ذیربط برای حسن اجرا، توسط کلیه دستگاه های اجرایی استان.

اجرای ماده ۷۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و تشکیل پنجره واحد سرمایه گذاری به گونه ای که دستگاه متولی بر حسب موضوع سرمایه گذاری، زیر نظر مرکز خدمات و ستاد سرمایه گذاری در هر استان کلیه استعلام های مورد نیاز صدور مجوز را اخذ نماید و در اسرع وقت برای سرمایه گذار مجوز درخواستی را صادر نماید.

پرداخت به موقع اعتبارات عمرانی هر استان و افزایش اعتبارات عمرانی استان های کمتر توسعه یافته. طراحی نقشه جامع سرمایه گذاری به منظور هدایت سرمایه ها به سوی طرح ها و پروژه های مورد نیاز.

تقویت نمودن بدنه کارشناسی کارشناسان ارزیاب بانک های عامل، در پرداخت تسهیلات به طرح های تولیدی و سرمایه گذاری در استان ها بویژه استان خراسان شمالی، باعث می شود تا افق دید آنان نسبت به اجرایی شدن طرح های سرمایه گذاری وسیع تر گردد و تأثیر اجرای پروژه های تولیدی را بر افزایش سطح درآمد، تولید ملی، افزایش اشتغال در منطقه، بهبود فضای کسب و کار و سطح درآمد خانوار و... درک نمایند.

اعزام کارشناسان بانک ها به دوره های آموزشی و بویژه کارآموزی در کلان شهرها و مراکز استان های توسعه یافته باعث توسعه دانش ارزیابی و تسریع در فرآیند ارزیابی طرح های متقاضی اخذ تسهیلات از بانک ها خواهد شد.

افزایش اختیارات مدیران امور شعب استان ها توسط مدیران عامل بانک های دولتی در خصوص تصمیم گیری در پرداخت تسهیلات به طرح های متقاضی سرمایه گذاری، می تواند موجب کوتاه



شدن فرآیند پرداخت تسهیلات به متقاضیان سرمایه گذاری گردد و همچنین از تحمیل هزینه های اضافی به آنان بابت طولانی شدن فرآیند پرداخت، جلوگیری نمایند و دوره بازگشت سرمایه را برای آنان کوتاه تر کند. به عنوان مثال در استان خراسان شمالی سقف اختیارات مدیران امور شعب بانک های دولتی در پرداخت تسهیلات مبلغ ۱۰ میلیارد ریال است که افزایش این سقف مثلاً به ۵۰ میلیارد ریال می توان علاوه بر افزایش انگیزه و تقویت قدرت ریسک پذیری مدیران استانی، منجر به تسریع در پاسخگویی به سرمایه گذاران و بهبود شرایط تامین مالی برای شرکت های سرمایه گذار در استان کمتر توسعه یافته خراسان شمالی خواهد شد.

برگزاری دوره های آموزشی روش های تامین مالی به ویژه پذیره نویسی و روش های جذب سرمایه گذاری خارجی جذب برای سرمایه گذاران و شرکت های عضو اتاق بازرگانی صنعت معدن و تجارت و اتاق تعاون.

برگزاری دوره های آموزشی بازاریابی و روش های فروش برای سرمایه گذاران و شرکت های عضو اتاق بازرگانی صنعت معدن و تجارت و اتاق تعاون.

## منابع:

- سلطانی، خلیل (۱۳۹۰)، "بررسی مقایسه ای فضای کسب و کار داروی کشور بر اساس مدل بانک جهانی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فرضی، پرویز (۱۳۹۰)، بررسی فضای کسب و کار در ایران از نگاه بانک جهانی"، دوره ۲۲، شماره ۲۳۶: ۵۹-۵۲.
- قزلباش، م.ر (۱۳۸۸)، "بررسی بسترهای مورد نیاز برای ایجاد کسب و کار در ایران از دیدگاه کارشناسان و خبرگان"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- اشرفی، یکتا و فهیمی فر، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی شاخص های بهبود فضای کسب و کار با تاکید بر جایگاه ایران. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی. شماره ۱۱: ۴۲-۷.
- ترک نژاد، احمد و شیرکوند، سعید. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر سنجش و بهبود فضای کسب و کار در ایران. تهران: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران.
- حسین زاده بحرینی، محمدحسین و ملک الساداتی، سعید. (۱۳۹۰). موانع نهادی سرمایه گذاری و کسب و کار در ایران. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه. شماره ۳۸: ۶۸-۴۹.
- سالاری، ابوذر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی. سال یازدهم. شماره های ۹ و ۱۰: ۱۳۰-۱۱۱.
- شفیعی، مهرداد. (۱۳۹۲). تعهد سازمانی در شرکت های نوپای دانش بنیان؛ عامل انسجام تیم و بقای کسب و کار در محیط رقابتی. فصلنامه تخصصی پارک ها و مراکز رشد، سال نهم، شماره ۳۴: ۵۲-۴۴.

- شهنازی، روح الله و دهقان‌شبنانی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. پژوهش نامه اقتصادی. سال یازدهم. شماره ۳: ۱۸۵-۱۶۱.
- نتایج پایش فضای کسب‌وکار. (۱۳۹۲ - ۱۳۸۹). گزارش‌های فصلی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. گروه فضای کسب‌وکار.
- Arruñada, Benito, (2007a), Market and Institutional Determinants in the Regulation of Conveyancers. *European Journal of Law and Economics* 23(2).
- Arruñada, Benito, (2007b), Formalización de empresas: Costes frente a eficiencia institucional, Thomson, Cizur Menor, in press.
- Berg, Janine and Cazes, Sandrine (2007), "The Doing Business Indicators: Measurement Issues and Political Implications, Employment Analysis and Research Unit", Economic and Labor Market Analysis Department, Geneva: ILO.
- De Soto, Hernando (1989). *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*. Harpercollins.
- Doing business: Economy Profile: Iran, Islamic Rep. (2009-2014). World Bank. Available online at: <http://www.doingbusiness.org>.
- Doing business. (2005-2014). Full text. World Bank. Available online at: <http://www.doingbusiness.org>.
- Dollar, David, Mary Hallward Driemeier, and Taye Mengistae (2003), "Investment Climate and Firm Performance in Developing Economies", Development Research Group, World Bank.

- Dreher, Axel and Schneider, Friedrich (2006). The shadow Economy and Empirical Analysis- University of Linz, Austria.
- Klapper, Leora F. and Love, Inessa, the Impact of Business Environment Reforms on New Firm Registration (March 15, 2011). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1786802> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1786802>
- Chavis, Larry W, Klapper, Leora F. and Love, Inessa (2011), “The Impact of the Business Environment on Young Firm Financing”, Oxford Journals, Social Sciences, World Bank Economic Review, Volume 25, Issue 3, Pp. 486-507.